

هالند ، اوگوست ۲۰۱۲

داکتر بیرک ارغند :

نیم نگاهی به کتاب «جنگهای کابل» نوشته جنرال سید عبدالقدوس (سید)

وقتی این کتاب را خواندم ، نمیدانم چرا سخنان دانشمند گرامی عبدالله نایبی به ذهنم خطور نمود که در مورد رُمان «لبخندِ شیطان» نگاشته بودند : «... و روزی خواهند گفت : به این میگویند رُمان !» عنوانِ خیلی جالب و پرمعنی یی را انتخاب نموده بودند . واقعاً دشوار است که در حضور این همه دژخیم به ستایش حقیقت پرداخت ؛ کاری که کتاب «جنگهای کابل» هم آن را دلیرانه انجام داده است .

تاریخها که سیر تکامل جوامع را بیان میدارند ، معمولاً پس از سپری شدن یک مدت زمان طولانی به نگارش در می آیند و علت این کار هم روشن است زیرا نویسنده جهت نگارش یک اثر تاریخی و جمع آوری اسناد و مدارک بایسته آن به زمان ، دست باز ، هزینه لازم و فضای امن نیازمند است ، در غیر آن تولیدش رنگ و بوی فرمایشی و استعماری خواهد داشت. ما تاریخهای زیادی در اختیار داریم که به فرمایش شاهان وشهزاده گان و یا دستگاههای استعماری و مغرض در راستای اهداف مطروحه آنان به رشته تحریر در آمده اند و حقایق را مطابق میل آنان بازگونه جلوه داده اند .

ژاله اصفهانی میگوید:

کاشکی آینه یی بود درون بین که در او خویش را میدیدیم

آنچه پنهان بود از آینه ها میدیدیم

کتاب جنگهای کابل به همان آبگینه ای درون بینی میماند که ژاله اصفهانی این بانوی وارسته و فرهیخته وجودش را آرزو میکرد . در تابلوی کتاب « جنگهای کابل» ما تصویر کشور زخمی خویش و قلب آن کابل خونین را که با دقت و موشگافی نقاشان چیره دست رقم خورده است

میبینیم . این اثر حقیقتِ آنچه را که از دیده‌ها پنهان مانده اند و یا سمت و سوی مغرضانه یافته اند در چشم انداز ما بیباکانه بر ملا میسازد :

« واقعیت آنست که جنگ و خشونت ها در طول تاریخ کابل وجود داشته است ؛ اما جنگها در میان احزاب و تنظیمهای اسلامی جهت تسلط بر کابل یکی از خونبارترین ، مخربترین و غم انگیز ترین آنهاست که کابل در طول تاریخ پنج هزار ساله و پر ماجرای خود به یاد نداشته و در تاریخ جنگهای قرن بیستم در جهان ، بنا بر برخی ویژه گی ها کم نظیر است .» (۱)

وقتی کتاب را ورق میزد ، گفתי دفتر بایگانی را باز کرده بودم ، دفتری انباشته از حوادث ناگوار و استخوانسوز و حقیقتبار . به یاد آوردن عمق و حد و اندازه اثر گذاری این فجایع و جنایات بر روان بزرگان ، جوانان و کودکان این مرز و بوم واقعاً مو بر اندام انسان راست میکند . نویسنده این اثر به قول اکبر سید آبادی، نفس و ذات و چیستی چهار جیم : (جهالت، جهاد، جنگ و جنایت)ی را که دشمنان این خاک، ظالمانه بر مردم بینوای ما روا داشته اند، با یک نگارش مستدل و مستند، چهره نمایی کرده و دوباره جان بخشیده و به روی کاغذ جاری ساخته است. وقتی آن را مرور می‌کردم به نظرم می آمد که این اثر با رمان « لبخند شیطان» قرابت دارد . هردو حکایتگر کار رواییهای بازیگران نفرین شده و گمراهان سر زمین خون ، آتش و کینه هستند . وقتی گمراه رهبر میشود نمیداند که همه را به گمراهی سوق میدهد . وقتی آتش در میگیرد نمیفهمد که میسوزاند و وقتی خون جاری میگردد نمیداند که انگیزه مرگ است . این را باید به گمراه و آتش گفت و آن را باید به خون فهماند ! و این دو اثر همین بار را بدوش میکشند .

«جنگهای کابل» یک کتاب تاریخیست و واضح است که تاریخ حافظه انسان است و تاریخ نویس این حافظه را روی کاغذ جان میدهد و زنده میسازد و به این گونه گذشته را باز سازی میکند و در این باز سازی انسان عامل تدوین رویدادهاست و این هم مبرهن است که انسان تابع شرایط اجتماعی - اقتصادی ماحول خویش میباشد و از همین جاست که تاریخ نویسان به دو شاخه منقسم میشوند :

یک - آنانی که نگارش تاریخ را به صورت علمی و با استناد بر واقعیت انجام میدهند ؛

دو - آنانی که نگارش تاریخ را به صورت غیر علمی و با استناد بر کذب و دروغ انجام می‌دهند و علم و دانش خویش را در راه خدمت به سیاست و استعمار وقف میکنند. تاریخ را مذکر می‌سازند ، زنها و توده های مردم را که سازنده گان اصلی تاریخ اند بی بها میگیرند .
به نظر من «جنگهای کابل» نوشته جناب سید عبدالقدوس (سید) در گزینه اول جا دارد .
من نیت بررسی علمی این اثر را ندارم؛ اما جا دارد که بگویم با همین شکل و محتوایی که این اثر پیرامون رویداد های خونین سیاسی - نظامی کابل نگارش یافته است تاکنون اثر دیگری را ندیده ام . به نظر اینجانب :

یک - کتاب تحلیلیست و رخ داده ها با اصول علمی تاریخ نگاری ارزیابی شده اند ؛
دو - کتاب صرف ضبط وقایع شگفت انگیز و واقعه نگاری نیست ، به علت و معلول پرداخته است و نویسنده اش خود شاهد عینی اکثر وقایع مندرج در اثر بوده است ؛
سه - اثر صرف به شرح و بیان کارنامه های اشخاص نپرداخته بلکه حوادث و رویدادها را در ابعاد مختلفش بدون هراس از زورگویان و حاکمانی که حاکمیت شان تا اکنون هم پا بر جاست ، بیان میدارد ؛

چهار - نویسنده متخصص امور نظامیست . تحصیلاتش را در پوهنتون حربی کابل ، پوهنتون نظامی هندوستان و پوهنتون نظامی اتحاد شوروی به پایه اکمال رسانیده است . اثر نشان میدهد که مؤلفش شخص دانشمند و صاحب صلاحیت با تجارب وسیع به ویژه تجارب نظامی میباشد. و این ویژه گی ، تحلیل و تجزیه رویداد های کتاب را عالمانه و قابل پذیرش میسازد ؛
پنج - از اثر بر می آید که نویسنده اش در دولت مطبوع وقت بنا بر ورودش در مسایل سیاسی - نظامی به حیث جنرال ایفای وظیفه مینموده و از تمام رموز جنگی ، نقاط استراتژیک کابل و انواع سلاح دست داشته جناحهای در گیر و تکتیکهای رو در رو شدن ایشان آگاه بوده و از سوابق و کارکردهای آنان و حامیان خارجی ایشان اطلاع کافی و مستند داشته است.
از سوی دیگر باید در نظر داشته باشیم که این اثر در کدام جو و فضای سیاسی و کدام برهه یی از تاریخ نگارش یافته است . در نگارش یک اثر، این هم یک مسأله است !

اثر در چنین زمانی نگارش یافته است :

یک - آنگاهی که آمریکا و متحدانش وسیع ترین تهاجم را زیر نام مبارزه با تروریسم علیه کشور فقیر و فرو پاشیده ما انجام داده است ؛

دو - آنگاهی که آمریکا از طریق اشغال کشور ما در صدد آن است تا منابع نفتی و گازی خاور میانه و جمهوریهای آسیای مرکزی را تصاحب کند و برای فرو بلعیدن بزرگ ترین حوزه نفتی در بحیره کسپین در حال ایجاد پایگاه بزرگ نظامی در کشور ماست ؛

سه - آنگاهی که آمریکا و متحدانش جهت تحکیم پایه های سیادتش ، نوکران و دست نشانده گان خود را - که اکثریت آنان را جنگسالاران و مجرمین جنگی تشکیل میدهند - بر سرنوشت مردم ما حاکم ساخته است .

در چنین جو و فضای پر از تشنج و بحران و بی امنیتی - که سر به نیست کردن آدمیزاد به ساده گی آب خوردن میماند - نگارش چنین یک اثر مالامال از حقیقت و راستی و درستی - آنهم در پیش چشم دژخیمان - کاریست شجاعانه و فداکارانه و به همین دلیل و برهان هم قابل تحسین و تبجیل . من به این باورم که آن روز دور نخواهد بود که کتاب «جنگهای کابل» زینت بخش قفسه کتابهای هر فرد کتاب خوان و علاقمند به تاریخ کشور خواهد شد . این کتاب را باید به دست همگان رساند و به این وسیله ازش قدردانی نمود .

(۱) از کتاب « جنگهای کابل»